

ماجرای مردی که دامادشان را به قتل رساند

قربانیان یک تصمیم خودسرانه

صدیقی

۸ سال از آن روزی که مرتکب قتل شد می گذرد، اما هنوز باور ندارد که نام قاتل بر پیشانی او نقش بسته است و با گفتن کلمه «متاسفم» سر به زیر می افکند. او می گوید با وجود گذشت خانواده مقتول پشیمانی او را تا آخر عمر عذاب خواهد داد. در یک بزرنگاه با یک تصمیم اشتباه زندگی چند خانواده را از هم گسست. به خاطر عدم کنترل خشم آنی و البته غرور جوانی اش دست به واقعه هولناکی زد و فرزندی را بی یاور و همسری را بی سایه سر کرد. به گفته خودش می خواست مشکلی را از پیش پای خواهرش بردارد اما کوهی از مشکلات را برایش به ارمان آورد. چند صبا‌چی است که به همراه پدرش که او هم تاوان اشتباه او را داده از پشت میله های زندان و دار مجازات با بخشدنگی و از خودگذشتگی اولیای دم آزاد شدند و به زندگی شان برگشتند. در ادامه گفت و‌گویی خبرنگار ما را با پسر جوانی که مرتکب قتل شده می خوانید.

به چه جرمی و چند سال حبس کشیدی؟ آیا همدست داشتی؟

حدود ۵ سال از جوانی ام را با یک ندانم کاری هولناک به خاطر قتل یکی از بستگانم پشت میله ها گذراندم. همدست نداشتم اما پدرم هم پایش به این ماجرا باز شد و تاوان اشتباه را داد.

چه شد دست به قتل زدی؟ از قبل برنامه داشتی؟

قتل به صورت اتفاقی رخ افتاد. من اصلاً قصد کشتن دامادمان را نداشتم فقط می خواستم با او درباره مشکل و اختلافش با خواهرم صحبت کنم. پدرم وقتی دید شوهر خواهرم دستش تنگ است از آن ها خواست در زیرزمین خانه مان مدتی زندگی کنند و کرایه خانه ندهند تا اوضاع مالی شان بهتر شود. بعد از این موضوع دامادمان نه تنها رفتارشان را اصلاح نکرد برعکس از آن به بعد حتی سر کار هم نرفت. به علت بیکاری مشکلات شان چند برابر شد و سر این ماجرا با خواهرم همیشه درگیر بود. وقتی اشک خواهرم را می دیدم نمی توانستم تحمل کنم، آن موقع ۱۹ سال بیشتر نداشتم و می خواستم خودم به تنهایی مشکل آن ها را حل کنم برای همین چند بار با مقتول درگیر شدم اما هر بار ما را جدا می کردند و آشتی می دادند. منتظر فرصت بودم که خانه خلوت شود تا با دامادمان حرف بزنم. تا این که روز حادثه خواهرم به خانه خواهر

شوهرش رفت و تا روز بعد آن جا ماند و پدر و مادرم برای کاری بیرون رفتند. وقتی خانه خلوت شد پیش دامادمان رفتم و راجع به اختلافش با خواهرم با او صحبت کردم. اما بحث مان بالا گرفت و مقتول خیلی عصبانی شد و فحاشی کرد و از من خواست در زندگی زناشویی شان دخالت نکنم. در یک لحظه با هم گلاویز شدیم و چند دقیقه ای کتک کاری ما ادامه پیدا کرد، خسته شدم و داشتم از نفس می افتادم. کسی در خانه نبود که ما را از هم جدا کند. دامادمان بدجوری عصبانی شده بود. نفس کم آورده و بریده بودم تا این که از ترسم محکم گردنم را فشار دادم و در یک لحظه وقتی به خودم آمدم دیدم نفس نمی کشد. شوکه شده بودم و نمی دانستم باید چه کار کنم. از طرفی بدجوری پشیمان بودم و از سویی نمی خواستم کسی متوجه قتل شود. تصمیم گرفتم موضوع را خودکشی جلوه دهم اما موفق نشدم. بعد از این اتفاق هولناک آشفته بودم تا این که نزدیک صبح روز بعد مادرم یی گاز را متوجه شد و هر چقدر دامادمان را صدا کرد اما جوابی نشنید، من و پدرم با صدای مادرم از خواب بیدار شدیم. پدرم فکر می کرد شاید مقتول به خانه پدرش رفته است برای همین از من خواست به خانه شان بروم. وقتی به آن جا رفتم با بی اطلاعی خانواده اش مواجه شدم و به همراه پدر مقتول به خانه مان برگشتم و سراغ زیرزمین رفتم. زمانی که خانه را می گشتیم او پسرش را داخل حمام پیدا کرد. فکر کردند دچار گازگرفتگی شده است برای همین چند دقیقه ای با پدرم به او تنفس مصنوعی دادند اما فایده ای نداشت و بعد از آن مقتول را بیمارستان بردیم و دکترها گفتند او فوت کرده است.

چطور شد دستگیر شدید؟

بعد از بیمارستان خانواده مقتول وقتی دیدند کار از کار گذشته از دست خانواده ما شکایت کردند و گفتند به فوت پسرشان مشکوک هستند. بعد از بررسی ماجرا و با توجه به این که آثار کبودی ناشی از درگیری روی بدن مقتول بود من و پدرم را به جرم قتل بازداشت کردند و چون تمام ادله و شواهد علیه ما بود به زندان افتادیم.

پدرت از ماجرای قتل خبر داشت؟

نه، او از این اتفاق خبر نداشت. او روز حادثه در خانه نبود، بی گناه بود ولی تاوان اشتباهم را داد. وقتی به زندان افتادیم او می ترسید که قصاص شوم و به پای من رنج چندین سال حبس را به جان خرید و این ماجرا ۵ سال طول کشید. با توجه به این که شواهد و قرائن علیه ما بود حکم قصاص ما صادر شد. وقتی دیدیم کار

تمام شده و به قصاص نفس محکوم شدیم دست به کار شدیم تا رضایت اولیای دم را بگیریم.

در این مدت زندان چطور به شما گذشت و چه کار می کردید؟

خیلی به این ماجرا فکر و بعضی شب ها به حال خودم گریه می کردم که چطور در یک لحظه نتوانستم بر خشم ام غلبه کنم و عمر و جوانی خودم و مقتول را بر باد دادم. در داخل بند ما تعدادی محکوم به قصاص بودند و هر بار که آن ها را صدا می کردند و با خودشان برای اجرای حکم می بردند وحشت می کردم و با خودم می گفتم یک روز نوبت من هم خواهد شد. در بند با یک نفر که به جرم قتل عمد حبس بود خیلی صمیمی بودم و زمانی که او را شب قصاص صدا کردند همه مبهوت ماندند و سکوت مرگباری همه جا را فرا گرفت. مقتول زمانی که وسایلش را جمع می کرد اشک در چشمانش جمع شده بود و پشیمانی در چهره اش موج می زد. بعد از خداحافظی از همه من را در آغوش گرفت و طلب حلالیت کرد و به من گفت احتمال دارد این آخرین باری باشد که یکدیگر را می بینیم برای همین یک یادگاری به من داد تا همیشه به یاد او باشم. دوستم دیگر به بند بازنگشت.

چطور شد که رئیس زندان به دنبال گرفتن رضایت از شاکی رفت؟

داخل زندان من در کارهای فرهنگی شرکت می کردم و مسئول کتابخانه بودم و پدرم چون بنا بود کارهای ساختمانی انجام می داد. خودم را ا اصلاح کرده بودم و مدام به عاقبت کارم فکر می کردم و پشیمان بودم و افسوس می خوردم. رئیس زندان نه تنها برای من و پدرم بلکه برای سایر محکومان هم تلاش می کرد تا شاید فرجی شود و با گرفتن رضایت اولیای دم از دار مجازات نجات پیدا کنند. او به همراه چند نفر از بستگانم دست به کار شدند و شبانه روز آن قدر تلاش کردند تا این که

خانواده مقتول بعد از مدتی حاضر شدند رضایت بدهند و زندگی دوباره ای به من و پدرم ببخشند.

مقتول بچه هم داشت، خواهرت چطور با این اتفاق برخورد کرد؟

مقتول یک بچه داشت و بابت این کار هر روز خودم را سرزنش می کردم و می کنم که چرا در کاری که به من ربطی نداشت دخالت کردم و با ندانم کاری چند خانواده را داغدار کردم؟ خواستم مشکلی را حل کنم اما یک مشکل بزرگ و غیر قابل جبران را پیش آوردم. خواهرم بابت این موضوع خیلی از من دلخور بود و از طرفی تحت فشار خانواده مقتول بود و مدام از سوی آن ها سرزنش می شد و در یک برزخ گیر افتاده بود. من نه تنها نتوانستم قطره های اشک خواهرم را پاک و کم کنم بر عکس بعد از این ماجرای هولناک اشک هایش را بیشتر و هر ساعت و روزش را تیره و تار کردم.

فقط به هم سن و سال های خودم می گویم از من عبرت بگیرند و خودسرانه وارد ماجرابی که بر عهده بزرگان خانواده است نشوند و بر خشم آنی و غرور جوانی شان غلبه کنند چون عاقبت ندانم کاری بدجور پشیمانی دارد و البته گاهی وقت ها غیر قابل جبران است و تاوان سختی انتظارشان را می کشد.



حادثه در شهر

خماري، سرقت پدر و پسر را ناکام گذاشت

صدیقی– پدر و پسر سارق و معتاد به شیشه زماني که قصد سرقت از یک انباری را داشتند با به خواب رفتن پسر نقشه شان لو رفت و بعد از آن معلوم شد که مادر خانواده با آن ها همدست بوده است.

این ماجرای سرقت با اطلاعاتی که زن خانواده از اموال صاحب کارش در اختیار همسر و فرزندش گذاشته بود آغاز شد اما سارقان زماني که قصد سرقت کیسه های برنج را از انباری یک خانه داشتند با هوشیاری همسایه و خواب رفتن پسر معتاد لو رفتند.

صاحب خانه که چند دقیقه قبل از سرقت از مسافرت برگشت و با همکاری همسایه ها سارق را به دام انداخت در این باره گفت: چند روزی به همراه همسرم به مسافرت رفته بودیم و شب با گذشت زماني که جلوی ر خانه رسیدم با همسایه ام رویه ر و شدم که جلوی در خانه ام کشیک می داد. همسایه به من گفت چند شب است که دو نفر وارد خانه ام می شوند و بعد از چند ساعت دست خالی از آن جا بیرون می آیند و الان یک نفر از آن ها خارج شد و او همچنان منتظر نفر دوم است تا حین سرقت او را به دام بیندازد. بعد از شنیدن این حرف با کمک دو همسایه آهسته وارد حیاط شدیم و به سمت انباری برنج که چراغش روشن بود رفتم. وقتی وارد شدیم دیدیم کسی آن جا نیست اما مرد همسایه یقین داشت که یک نفر آن جاست. بعد از کمی جست و جوی زماني که یک کیسه سرنج را جا به جا کردم دیدم زیر کیسه های برنج خالی و یک نفر به خواب عمیقی فرو رفته است.

زماني که سارق را بیرون کشیدیم او با دیدن ما شوکه و از خماري بی حال و خیس عرق شد. بعد از کمی بازجویی سارق جوان شیشه ای اعتراف کرد که او مدتی است منتظر پدرش است که بیرون رفته تا با یک موتورسیکلت سه چرخ بیاید و برنج ها را بار بزنند. وی ادامه داد: سارق اعتراف کرد با اطلاعات مادرش که مدتی قبل کار نفاقت منزل من را انجام می داد چند شب است که در نبود ما با کمک پدرش قصد سرقت کیسه های برنج من را داشتند اما از شدت خماري و بی حالی نمی توانستند کیسه های سنگین برنج را حمل کنند برای همین فقط به استعمال مواد زیر کیسه ها مشغول و دست خالی از انباری خارج می شدند.

عبرت

پایان تلخ دوستی خیابانی

تازه ۱۷ ساله شده بودم و در مقطع سوم دبیرستان تحصیل می کردم که با یکی از دانش آموزان مدرسه مان دوست شدم. به نظرم دختر خوبی می آمد، به من محبت می کرد و علاقه داشت. مدتی از دوستی مان گذشت تا این که متوجه شدم او با پسر۱ رابطه دارد و در راه مدرسه و بیرون همدیگر را می بینند. دایم در گوش من می گفت: چرا با پسر۱ دوست نمی شوی؟ در این زمان هر دختری باید دوستی برای خود داشته باشد و... آن قدر این حرف ها را در گوش من زمرمه کرد تا خام شدم و با دوست دوستش رابطه برقرار کردم و هر زماني که می توانستم از طریق تلفن با او صحبت می کردم یا در راه مدرسه همدیگر را ملاقات می کردیم. علاقه زیادی به وی پیدا کردم تمام آینده و آرزوهایم را در وجود او می دیدم. مدتی از این رابطه گذشت، همکلاسی ما مرا به منزل شان دعوت کرد و من قبول کردم اما وقتی به منزل شان رسیدم آن دو پسر۱ که ما با آن ها ارتباط داشتیم نیز حضور داشتند. من فقط به ارتباط تلفنی و دیدار خیابانی تا هنگام ازدواج فکر می کردم اما یک باره در عمل انجام شده قرار گرفتم. افسوس و پشیمانی تمام وجودم را احاطه کرده بود. پسر۱ که با او دوست بودم خواستار رابطه شد اما وقتی من مقاومت کردم به زور به من تعرض کرد و موقع خروج از منزل شان تهدیدم کرد که اگر به کسی بگویم آبرویم را خواهد برد و برایم مشکل ایجاد می کند. اوایل شب به منزل مان رسیدم و جرئت بازگو کردن این مسئله را با کسی نداشتم، ۳ هفته با استرس گذشت حتی از سایه خودم هم می ترسیدم، تصمیم گرفتم به یکی از مراکز مشاوره مراجعه کنم و از مشاور کمک بخواهم.

آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی)

بستاکبار : بانکک ملی شعبه بجنورد

بدهکار و راهن : شرکت پیشرو مصالح شرق

مورد مزایده و محل آن : برابر درخواست بستاکبار فوق به شرح وارده و به شماره ۹۷/۶۳۶۶ – ۱۳/۰۵/۱۳۹۷ نسبت به مزایده ششدانگ یک قطعه محوطه محصور دارای تأسیسات به مساحت ۱۰۵۲۳/۸۰ متر مربع دارای پلاک ثبتی ۵۲ فرعی از ۴۵ فرعی از ۱۶۱ – اصلی بخش دو بجنورد که سند مالکیت آن ذیل ثبت صفحه ۳۳۸ دفتر ۲۲۹بخش مزبور به نام شرکت پیشرو مصالح شرق مدیون و وثیقه گذار پرونده های اجرایی کلاسه ۱۳۹۵۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۸۱۶ و ۱۳۹۵۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۸۱۶صادر و تسلیم شده است و برابر اسناد رهنی شماره ۱۱۱۸۴۴ – ۸۳/۰۲/۲۵ – ۱۰۹۳۶۳ – ۰۲/۱۷/۸۵/۰۳/۰۹ – ۱۱۲۰۲۶ – ۱۲۷۳۲۸ – ۱۲/۰۵/۱۵ – ۹۲/۰۵/۱۵ دفتر ۳۷ بجنورد در رهن بانک ملی قرار گرفته ، محدود به حدود زیر: شمالاً: به طول ۱۷۶/۲۳ متر پی دیواربست به خیابان احدائی از مورد تفکیک . شرقاً : به طول ۷۷/۶۳ متر پی دیواربست به پی دیوار ۵۳ فرعی . جنوباً: پخی به طول ۱۷۲/۳۰ متر پی دیواربست به خیابان ۲– پخی به طول ۸ متر پی دیواربست به خیابان . غرباً : ۱– به طول ۳۳/۸۰ متر پی دیواربست به خیابان ۲ – پخی به طول ۴ متر پی دیواربست به خیابان . که توسط کارشناس مورد ارزیابی قرار گرفته و ششدانگ پلاک مذکور به مبلغ (سی و هشت میلیارد و سیصد و هشتاد و دو میلیون و ششصد و پنجاه و دو هزار ریال) ۳۸/۳۸۲/۶۵۲/۰۰۰ ریال برآورد شده و نظریه ارزیابی قطعی گردیده است ملک در روز یکشنبه مورخه ۱۳/۰۸/۱۳۹۷ – از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر در محل اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد به نشانی بجنورد خ شریعتی شمالی جنب اداره ثبت شرکتها به مزایده گذاشته می شود ، خریداران می توانند در وقت مقرر در محل برگزاری مزایده حاضر شده و در جلسه شرکت نمایند ، مزایده فقط در یک نوبت برگزار می گردد و از مبلغ سی و هشت میلیارد و سیصد و هشتاد و دو میلیون و ششصد و پنجاه و دو هزار ریال (۳۸/۳۸۲/۶۵۲/۰۰۰ ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریدار فروخته می شود و مطابق ماده ۱۳۶– آئین نامه اجراء کل مبلغ نقداً دریافت می گردد چنانچه زائد بر مبلغ مندرج در آگهی خریداری گردد حق مزایده نسبت به مازاد مبلغ ارزیابی برعهده برنده مزایده است .پرداخت بدیهیهای مربوط به آب و برق و گاز ، اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده که رقم قطعی آنها معلوم نمی باشد به عهده برنده مزایده است . مشخصات ملک مطابق نظریه کارشناس : ۱– پلاک ۱۶۱/۵۲ به مساحت ۱۰۵۲۳/۸ متر مربع و بارزش ۷/۰۴۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال از گزارش اصلی (۹۶/۱۰۸۱۸) حذف گردید. ۲– پلاک ۱۶۱/۵۲ – اصلی محدود اریه : شمالا بطول ۱۷۹/۷ متر به خیابان .شرقا بطول ۷۷/۶۳ متر به پلاک ۵۳. جنوبا بطول ۱۷۲/۳ متر و ۸ متر پخی به خیابان صنعت ۸. غربا بطول های۳۳/۸متر و ۴ متر پخی به بولوار صعت . به مساحت ۱۰۵۲۳/۸ متر مربع . ارزش هر متر مربع به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ ریال . و ارزش کل ۱۰۵۲۳/۸ متر مربع به مبلغ ۱۵/۷۸۵/۷۰۰/۰۰۰ ریال .۳–۱– کرسی چینی دیوار کشی محوطه از سنگ لاشه و ملات ماسه و سیمان و رویه سیمانی سیاه . بطول (۲۴۳/۷۴ + ۹۰/۱۱ + ۲۴۰/۳ + ۳۷/۸) متر و به عرض ۰/۷ متر و بارتفاع متوسط ۲/۵ متر . بحجم ۱۰۷۱ متر مکعب از قرار هر مترمکعب به مبلغ ۵۵۰۰۰۰ ریال .و ارزش کل ۱۰۷۱ متر مکعب به مبلغ ۵۸۹/۰۵۰/۰۰۰ ریال .۳–۲– دیوارکشی محوطه بطول ۵۲۲ متر (آجر چینی سופال و دربوش بتنی مجموعا بارتفاع ۳۰ سانت . هر ۴، ۴ متر یک پایه آجری سופال ۳۵ سانتی بابعاد ۱۱۰ * ۱۰۰ سانتی . بین این پایه ها فنس با قاب قوطی ۶* ۴ و شبکه توری ۵ * ۵ سانتیمتر بابعاد ۴/۲ * ۱،۱ متر. مساحت کل حصار کشی ۷۸۰ متر مربع . ارزش هر متر مربع ۸۰۰۰۰۰ ریال و ارزش کل ۷۸۰ متر مربع دیوارکشی به مبلغ ۶۲۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال .۳–۳– دیوارستکی در داخل محوطه با سنگ لاشه موزاییکی بطول ۵۰ متر .بارتفاع ۳ متر و به ضخامت ۱/۵۵ متر . به حجم ۸۲/۵ متر مکعب .ارزش هر مترمکعب به مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال . ارزش کل ۸۲/۵ متر مکعب به مبلغ ۴۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال .۳–۴– درب فلزی محوطه به ابعاد ۲/۵ * ۵/۵متر دو عدد . مجموعا به مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال .۳–۵– فضای سبز (۳۶۰+۱۲۰)مترمربع از قرار هر مترمربع ۶۰۰۰۰۰ ریال . مجموعا به مبلغ ۲۸/۸۰۰/۰۰۰ ریال .۳–۶– بتن ریزی کف در محوطه به ضخامت ۱۵سانت . به مساحت ۷۴۱ متر مربع . مجموعا به مبلغ ۱۴۸/۲۰۰/۰۰۰ ریال .۳–۷– خاکریزی و تسطیح به حجم (۲۲ * ۱۰۲ * ۲) متر مکعب . از قرار هر متر مکعب ۶۰۰۰۰ ریال مجموعا به مبلغ ۵۱۴/۰۸۰/۰۰۰ ریال .۴– محاسبه ارزش امتیازات آب – برق – گاز و تلفن در صلاحیت کارشناس برق و ماشین آلات می باشد .۵– مجموعه نگهبانی با دیوارهای آجری و نمای آجر سه سانت . با کف موزائیک . سقف تیر آهن و ضریبی و ایرایت و پنجره ها آهنی دریهای داخلی روکش چوبی . به مساحت ۶۴/۲۳ متر مربع از قرار هر متر مربع ۲۰۰۰۰۰۰ ریال و مجموعا به مبلغ ۱۲۸/۸۶۰/۰۰۰ ریال .۶– ایستگاه گاز . به مساحت ۲۷/۳ متر مربع . دارای کرسی چینی . شناژ بتنی .دیوارهای آجری ۳۵ سانتی بارتفاع ۸۰ سانت . کف ملات مه و سیمان و سقف ایرایت . از قرار هر متر مربع ۱۷۰۰۰۰۰ ریال . مجموعا به مبلغ ۴۶/۴۱۰/۰۰۰ ریال.۷– ساختمان اداری به مساحت ۱۳۳/۷ متر مربع با دیوارهای آجری ۳۵ سانتی . سقف تیر آهن و ضریبی و ایرایت . کفها موزاییک .پنجره ها آهنی .دریهای داخلی روکش چوبی. شامل ۶– اتاق راهرو آبدارخانه و سرویس بهداشتی . نما آجر ۳ سانت . ارزش هر متر مربع ۲۱۰۰۰۰۰ ریال و ارزش کل آن به مبلغ ۳۰۱/۷۷۰/۰۰۰ ریال .۸– ایستگاه برق با شناژ بتنی . دیوارهای اجری ۳۵ سانتی . سقف تیرچه و یونولیت کف ملات ماسه و سیمان و کانال برق . به مساحت ۴۵ متر مربع . ارزش هر متر مربع ۱۸۰۰۰۰۰ ریال و ارزش کل آن به مبلغ ۸۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال .۹– رختکن ورودی سالن به مساحت دارای درب آهنی و دیوارهای آجری و سقف تیر آهن و ضریبی . کف ماسه و سیمان ارزش هر متر مربع ۱۲۰۰۰۰۰ ریال و ارزش کل ۲۹/۲۵ متر مربع آن به مبلغ ۳۵/۱۰۰/۰۰۰ ریال . ۱۰– دفتر فروش مشابه مشخصات رختکن می باشد و ارزش آن نیز به مبلغ ۳۵/۱۰۰/۰۰۰ ریال می باشد .۱۱– در طبقه دوم انباری با دیوارآجری . پنجره آهنی سقف پشم شیشه و ورق گالوانیزه و کف سیمانی به مساحت ۵۸/۵ متر مربع . از قرار هر متر مربع ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و مجموعا به مبلغ ۵۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال .۱۲– اتاق استراحت رانندگان . به مساحت ۲۷ متر مربع با دیوارهای آجری سقف تیر آهن و ضریبی . درب و پنجره آهنی . کف سیمانی . سقف تیر آهن و ضریبی . ارزش کلد ۷ متر مربع آن به مبلغ ۳۲/۴۰/۰۰۰ ریال .۱۳– اتاق پرس در زیرزمین به مساحت ۳۸۰ متر مربع با اسکلت بتنی و سقف تیرچه دوپل و پلوسک با مقاومت بالا .از قرار هر متر مربع ۲۲۰۰۰۰۰ ریال و مجموعا به مبلغ ۸۳۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال .۱۴– سالن غذاخوری با سقف تیرچه و یونولیت و کف و دیواره ۱/۵ متر سرامیک و در طبقه زیرزمین نماز خانه با کف و دیواره سرامیک و سرویس بهداشتی و حمام کلا به مساحت۱۲۸ متر مربع از قرار هر متر مربع ۲۰۰۰۰۰۰ ریال ومجموعابه